

# خونسروباش

آقا ضیاء احمدی شریک

www.ketab.ir

انتشارات جامعه پژوهی

۱۴۰۰

- 
- سرشناسه : احمدی شهر بابک، ضیاء، ۱۳۱۹ -  
عنوان و نام پدیدآور: خونسرد باش / آقاضیاء احمدی شهر بابک.  
مشخصات نشر: کرج: جامعه پژوهی، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۹۴ ص.  
شابک (ISBN): ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۰۹-۶۰-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴  
-- ۲۰th century Persian poetry  
شعر طنزآمیز -- قرن ۱۴  
-- ۲۰th century Humorous poetry  
رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۴  
رده بندی دیویی: ۶۲/۸۱۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۱۴۹۱۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا
-



انتشارات جامعه پژوهی

---

ناشر: جامعه پژوهی

عنوان: خونسرد باش

تالیف: آقاصیاء احمدی شهر بابک

طراح جلد: امیر چپاری فرسنگی

صفحه آرا: رامش نورانی آنتگاه

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۰۹-۶-۱

---

همه حقوق این اثر برای انتشارات جامعه پژوهی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً یا جزئاً به هر صورت (چاپ، فتوکپی، تصویر یا انتشارات الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

## فهرست

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۷  | ..... مقدمه               |
| ۱۲ | ..... دزد و ملا           |
| ۱۳ | ..... کلاغ و روباه        |
| ۱۴ | ..... ملا و گدا           |
| ۱۶ | ..... ملا و دوستان        |
| ۱۷ | ..... ملا و همسایه        |
| ۱۸ | ..... گرگ و خر            |
| ۱۹ | ..... مرد ساده و فولکس    |
| ۲۰ | ..... چت                  |
| ۲۲ | ..... محفل رندان          |
| ۲۳ | ..... عفو نامه            |
| ۲۵ | ..... آب هستی بخش         |
| ۲۶ | ..... شب یلدا             |
| ۲۸ | ..... گوشی به فهمیدن نیست |
| ۳۰ | ..... کودک آواره          |
| ۳۲ | ..... پرچم نماد ملی       |
| ۳۳ | ..... فقر و غنا           |
| ۳۵ | ..... معلمی شغل انبیاست   |
| ۳۷ | ..... نماز اول وقت        |
| ۴۰ | ..... زن فرشته است        |



## به نام خدا

پدر مرحومم شیخ فضل الله، در بیست و هفتم شهریور یکهزار و سیصد و نوزده شمسی در شهر بابک، نامم را ضیا نهاد و از سر لطف آقا را به آن افزود و شدم آقاضیا، پدرم هم از سر شاگردی و ارادت پدر مرحومش به شیخ فضل الله نوری نامش شده بود فضل الله ومن هم بنابر عشقی که به پدر داشتم فرزند اولم را فضل الله نام نهادم. خاطراتم از پدر کمتر از هشت سال است اما بیش از هشتاد سال به آن دلخوش بوده ام و روزگار گذرانده ام.

پدرم نماینده اداره ثبت احوال شهرستان شهر بابک بود و سوارکار ماهری هم بود. سرانجام هم سوار بر اسب در مسیر روستاهای اطراف برای صدور شناسنامه روستائیان؛ با شلیک گلوله به قتل رسید و من هفت ساله و خواهر کوچکم پروین از داشتن او محروم شدیم. به قول استاد سخن سعدی :

من آنکه سر تاجور داشتم      که سر بر کنار پدر داشتم  
مرا باشد از درد طفلان خبر      که در طفلی از سر برفتم پدر

